

فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی، سال اول، شماره دوم، پاییز ۹۹، صفحات ۴۷-۶۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۲

روش‌های سیدمرتضی در نقد حدیث عدد

علیرضا طبیبی^۱
سید مجید نبوی^۲

چکیده

یکی از افرادی که به صورت روشمند به نقد حدیث می‌پردازد، سیدمرتضی است. او در یکی از آثار خود به نام رساله «الرد علی اصحاب العدد» به نقد اصحاب عدد (قائلین به ۳۰ روز بودن ماه رمضان) می‌پردازد و احادیثی که ماه رمضان را ۳۰ روز کامل می‌دانند (بدون هیچ کم و کاست)، بررسی و نقد می‌کند.

سیدمرتضی با نقد این روایات، اتمام ماه رمضان را با رویت هلال ماه (چه ۲۹ روزه و چه ۳۰ روزه) صحیح می‌داند. او در نقد روایات مورد استناد اصحاب عدد با استفاده از روش‌های مختلف از جمله: استدلال به اجماع و استناد به آیات (بقره: ۱۸۹ و یونس: ۵) بی اعتبار بودن سخن آنان را اثبات می‌کند، سیدمرتضی قیاس را که مورد استناد اصحاب عدد است، فاقد حجیت می‌داند و بر اساس علم لغت به نقد روایات مورد استناد آن‌ها می‌پردازد. وی روایات مورد استناد آن‌ها را مخالف اخبار مشهور و سیره تاریخی مسلمانان می‌داند. روش‌ها و معیارهای سیدمرتضی در نقد دیدگاه‌های عدد منحصر در قالب نقد متنی است و به نقد سندی نمی‌پردازد. روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است.

واژگان کلیدی: سیدمرتضی، حدیث عدد، نقد حدیث، روش نقد حدیث.

^۱ - دانشیار، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)
a-tabibi@araku.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکترا، دبیر گروه قرآن و حدیث سازمان سمت

مقدمه

روایات معصومان به عنوان دومین منبع اساسی کشف و تبیین معارف اسلام پس از قرآن در مجموعه‌های روایی برای ما به یادگار مانده‌است. این روایات در گذر زمان به دلایل گوناگون از تحریف و تغییر مصون نمانده‌اند. برای مثال پس از پیامبر(ص) روایت‌هایی در مسئله خلافت، و مناقب سازی به ناحق جعل شد. پس از آن معاویه با اهداف سیاسی به جعل حدیث پرداخت. سپس خوارج برای تحکیم آراء و نظرات خود به جعل حدیث پرداختند. با وجود انشعابات مذهبی از قبیل زیدیه، معتزله، حنابله، ظاهریه، مجسمه، غلات، کرامیه، اشاعره، متصوفه، باطنیه، موج جدیدی از جعل‌ها ایجاد شد و در هر فرقه ای افرادی برای حقانیت خود دست به جعل حدیث زدند. در این میان عباسیان با اهداف سیاسی از جمله موعود خواندن مهدی عباسی به جعل حدیث دست زدند. این عوامل و عواملی دیگر سبب شد تا در کتابهای حدیث احادیث جعلی و اسرائیلی وارد شود. از این رو دانشمندان علوم اسلامی (شیعه و سنی) به فکر نقد حدیث و پالایش احادیث افتادند. یکی از دانشمندان شیعی که به پالایش و نقد احادیث جعلی پرداخته سیدمرتضی است. او تلاش بسیار در زمینه ی نقد و ارزیابی روایات مبذول داشته و آثاری مختلفی در این زمینه از او به جای مانده‌است. سید با استفاده از رهنمودهای قرآن، ارشادهای معصومان علیه السلام، براهین عقلی و غیره در زدودن ابهامات و آسیب شناسی روایات کوشش فراوانی کرده‌است. یکی از آثار او رساله «الرد علی اصحاب العدد» است که در این نگارش به بررسی شیوه‌های نقد سیدمرتضی در این رساله خواهیم پرداخت. به عبارت دیگر هدف ما در این نگارش نشان دادن روشهای نقد حدیث سیدمرتضی است.

بیان مسئله

یکی از مسائل مورد بحث و جنجال برانگیز در قرن ۴ و ۵ هجری این بود که آیا ماه مبارک رمضان بر خلاف سایر ماه‌های قمری، همیشه کامل و ۳۰ روزه است یا اینکه برخی سال‌ها ۲۹ روزه است. با دیدن هلال ماه شوال، گرچه از آغاز ماه مبارک رمضان ۲۹ روز گذشته باشد، عید

فطر ثابت می‌شود و در نتیجه ماه رمضان ۲۹ روزه خواهد بود. هر دو نظریه طرفدارانی داشته‌اند که به قائلان قول اول، «اصحاب عدد» و به طرفداران نظریه دوم، «اصحاب الرویه» می‌گویند. سیدمرتضی از طرفداران نظریه دوم است و در تایید رویت و رد قول به عدد، رساله ای با عنوان «الرد علی اصحاب العدد» به رشته تحریر درآورده است. وی این رساله را در پاسخ به رساله ای در باب قول به عدد نوشت. این رساله را شخصی (احتمالاً شیخ ابوالفتح کراچی) نزد سید فرستاده و سید آن را نقد کرده‌است. سیدمرتضی در این رساله، در قالب روش‌های مختلفی، تلاش بسیاری در نقد نظریه عدد کرده است.

پیشینه

لازم به ذکر است که درباره ی روش‌های سیدمرتضی در نقد حدیث عدد به طور خاص، مقاله یا کتابی به رشته تحریر در نیامده است و غالب آثار نگاشته شده به معرفی شرح حال سیدمرتضی و بیان مشخصات کلی آثار و روش‌های کلی در فهم حدیث با تکیه بر مهم‌ترین آثار سیدمرتضی، اکتفا نموده‌اند. این مقاله به بررسی روش‌های سیدمرتضی در نقد حدیث عدد می‌پردازد چرا که تاکنون پژوهش مستقلی در این خصوص انجام نیافته است. این تحقیق در راستای معرفی تلاش‌های سیدمرتضی در زمینه ارزیابی روایات، به گوشه‌ای از تلاش‌های وی در زمینه نقد و ارزیابی روایات عدد خواهد پرداخت؛ تا میزان توجه وی را به این مباحث آشکار سازد و روش‌های نقد حدیث سیدمرتضی در نقد حدیث عدد روشن تر شود.

کتاب الرد علی اصحاب العدد

قبل از معرفی کتاب «الرد علی اصحاب العدد» سیدمرتضی ضرورت دارد که به معرفی کتاب شیخ مفید با همین عنوان اشاره‌ای گذرا داشته باشیم سپس به معرفی کتاب سیدمرتضی خواهیم پرداخت.

شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ هجری) استاد سیدمرتضی رساله ای با عنوان «الرد علی اصحاب العدد جوابات أهل الموصل فی العدد و الرؤیة» نوشته‌است و در آن، پایان ماه

رمضان را با دیدن هلال، ثابت می‌داند، ماه رمضان از دیدگاه او ممکن است ۲۹ یا ۳۰ روزه باشد؛ (به خلاف برخی که آن را قطعا ۳۰ روزه می‌دانند). درباره انگیزه نگارش این کتاب توسط شیخ مفید روایت شده است: شخصی از اهالی موصل نامه‌ای به یکی از شاگردان شیخ مفید نوشته و از او می‌خواهد تا از شیخ بپرسد که ماه رمضان از چه طریقی ثابت می‌شود و آیا امکان دارد که ماه رمضان ۲۹ روز باشد یا نه؟ شیخ مفید این رساله را در پاسخ به آن سؤال می‌نویسد و در آن به بررسی فقهی و تحقیق در روایات این مسئله می‌پردازد. او غیر از این کتاب دو تألیف دیگر در این موضوع تحت عنوان‌های «مصباح النور فی علامات أوائل الشهور» و «جواب أهل الرقة فی الأهلة و العدد» و در آنها نیز به بررسی راههای ثبوت ماه مبارک رمضان و ثبوت هلال پرداخته‌است.

از لحاظ حجم کتاب باید گفت که کتاب شیخ مفید حدود ۳۶۰۰ کلمه و کتاب سیدمرتضی حدود ۱۲ هزار کلمه است بنابراین، کتاب سیدمرتضی نزدیک به ۴ برابر کتاب شیخ مفید است و از لحاظ پاسخ‌های تفصیلی و دقیق بر کتاب شیخ مفید رجحان دارد. با توجه به این که سیدمرتضی شاگرد شیخ مفید بوده به احتمال زیاد کتاب ایشان را مطالعه و از مطالب آن استفاده نموده‌است.

کتاب «الرد علی اصحاب العدد» سیدمرتضی بخشی از کتاب مجموعه رسائل اوست. کتاب رسائل سید مرتضی در ابتدا به صورت رساله‌های مستقل و جداگانه بود که بعدها این رساله‌ها جمع آوری و در ۴ جلد به چاپ رسیدند. هر جلد از این کتاب دارای مباحث مختلفی است و مجموع رساله‌های این ۴ جلد، ۶۰ رساله می‌باشد. این کتاب توسط سید مهدی رجائی در انتشارات دار القرآن الکریم و در ۱۴۰۵ هـ ق به چاپ رسیده‌است. یکی از رساله‌های جلد ۲ این کتاب «الرد علی أصحاب العدد» می‌باشد. این رساله شامل یک مقدمه و ۲۲ مبحث است که این ۲۲ مبحث عبارتند از:

- ۱- «الاستدلال بالإجماع علی الرؤیة» ؛ ۲- «الاستدلال بالسیرة علی الرؤیة» ؛ ۳- «الاستدلال بالآیات القرآنیة علی الرؤیة» ؛ ۴- «الاستدلال بالأخبار الواردة علی الرؤیة» ؛ ۵- ثم نعود الی الكلام علی ما ذکره صاحب الكتاب، ۶- «المناقشة فی الخبر الدال علی العدد» ۷- «حمل أخبار الرؤیة علی التقیة و المناقشة فیہ» ؛ ۸- «الاستدلال بالقیاس علی العدد و المناقشة فیہ» ؛ ۹-

«لاستدلال بمعرفة العبادات في أوقاتها و المناقشة فيه»؛ ۱۰- «لاستدلال بالحصر على بطلان الرؤية و المناقشة فيه»؛ ۱۱- «نقل كلام المستدل بالعدد و المناقشة فيه»؛ ۱۲- «الكلام في صوم يوم الشك»؛ ۱۳- «ما استدل به الخصم على العدد و الجواب عنه»؛ ۱۴- «لاستدلال بخبر «يوم صومكم يوم نحرکم» و الجواب عنه»؛ ۱۵- «مناقشة الخصم في آية الأهل و الجواب عنها»؛ ۱۶- «لاستدلال بخبر صوموا لرؤيته على العدد و الجواب عنه»؛ ۱۷- «حول خبر صوموا لرؤيته و أفتروا لرؤيته»؛ ۱۸- «مخالفة أخبار الرؤية للكتاب و الجواب عنه»؛ ۱۹- «التهافت في استدلال القائلين بالرؤية و الجواب عنه»؛ ۲۰- «مناقشة القائلين بالعدد في استدلال الرؤية و الجواب عنها»؛ ۲۱- «حول خبر: شهر رمضان يصيبه ما يصيب سائر الشهور»؛ ۲۲- «كيفية الحج على القول بالرؤية و هو لا يقدر عليها».

پس از تشریح ساختار کتاب سیدمرتضی، به چیستی نقد حدیث و مهم‌ترین روش‌های نقد او در باره نظریه عدد اشاره می‌شود.

نقد حدیث

نقد در لغت به معنای جداسازی خوب از بد و آشکار سازی عیوب و نقاط ضعف اشیاء معیوب است. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۲۳۰) اما در اصطلاح، عبارت است از به کارگیری اصول و قواعد کلی مطرح در علوم حدیث به منظور شناسایی آسیب‌های احتمالی عارض بر سند یا متن حدیث، و در صورت اصالت حدیث، کشف سند و متن اصیلی که از آن آسیب‌ها عاری است. (ادلبی، بی تا: ۳۰)

مهمترین روش‌های سیدمرتضی در نقد نظریه عدد

۱- استدلال به اجماع:

اجماع به معنای اتفاق نظر فقیهان بر حکم شرعی است که یکی از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی به شمار می‌رود. (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۲۵۲). آیت الله مشکینی در کتاب

اصطلاحات الأصول می‌نویسد: اجماع نزد شیعه، عبارت از اتفاق نظری است که دلالت بر رأی امام معصوم علیه السلام داشته باشد، یعنی از اتفاق علما و فقها به دست آید که رأی اجماع کنندگان در بر گیرنده رأی معصوم باشد و بنابر مذهب شیعه حجیت اجماع نیز به همین کاشف بودن از قول معصوم علیه السلام است. (مشکینی، ۱۳۷۱: ۲۳)

سیدمرتضی در تایید قول رویت و نقد قول عدد به عنوان اولین دلیل، به اجماع استناد کرده و می‌گوید: «اجماع دلیل مورد اعتماد ماست و هیچ یک از علمای متقدمین در زمان گذشته، با مسئله رویت مخالفت نکرده‌اند و کسانی که مخالف مسئله رویت اند، تعداد بسیار اندکی هستند که به خاطر قصور فهم و کمبود زیرکی، قولشان در اصول و در فروع حجت نبوده و مورد توجه نیست.

وی در ادامه می‌گوید مسئله رویت، مسئله اجماعی است. چون قول امام معصوم (ع) داخل در این اجماع بوده و حجت است. و در بسیاری از کتاب‌هایم صحت این طریق را تبیین نموده‌ام.» (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۱۰) لازم به ذکر است که از زمان شیخ مفید تا به امروز نیز در تایید قول رویت، اجماع وجود دارد که برخی پژوهشگران به آن اشاره کرده‌اند. (مختاری، رضا و ...، ۱۴۲۶ هـ ج: ۴: ۲۴۳۲)

۲- استدلال به آیات قرآن:

مسلمانان بر عدم جعل و تحریف قرآن اعتقاد دارند اما وجود جعل و تحریف در احادیث بر کسی از مسلمانان پوشیده نیست یکی از راهکارهایی که اهل بیت (ع) برای شناسایی احادیث جعلی ارائه کرده‌اند، عرضه حدیث بر قرآن کریم است این روش جهت روشن شدن صحت احادیث و از شیوه‌های مهم نقد حدیث است.

شیخ کلینی در کتاب **کافی** بابی با عنوان «بَابُ الْأَخْذِ بِالسُّنَّةِ وَ شَوَاهِدِ الْكِتَابِ» آورده‌است و در آن به ۱۲ حدیث که اشاره به نپذیرفتن احادیث مخالف قرآن دارد؛ اشاره می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۶۹) برای مثال در حدیث سوم این باب اینگونه آمده‌است: «عَنْ يَحْيَى الْخَلْبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى

الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ» (همان) یحییٰ حلبی از ایوب بن حر نقل می‌کند که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود هر چیزی به قرآن و سنت ارجاع داده می‌شود و هر حدیث (و سخنی) که با کتاب خدا موافق نباشد باطل است.

بنابراین عرضه احادیث به قرآن یکی از مهمترین روش‌های یافتن صحت و ضعف حدیث است. به عبارت دیگر، آیات قرآن، تایید کننده روایات و به عنوان شاهدی بر صحت آن‌ها هستند و تعارض قطعی احادیث با قرآن نشان دهنده ضعف روایات است و بنا بر دستور معصومان رها کردن آنها ضروری است. روش عرضه حدیث به قرآن مورد تایید بسیاری از علما از جمله محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۵ ق: ۲۰۲) جعفر مرتضیٰ عاملی (عاملی، ۱۴۲۶ ق: ج ۱: ۲۹۴) خطیب بغدادی (بغدادی، ۱۴۰۵ ق: ۴۶۹-۴۷۰) فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۱۸ ق: ج ۳: ۹۴) و غیره است.

سیدمرتضی نیز در این رساله نیز برای تایید و تاکید دیدگاه خود مبنی بر رویت و رد نظریه عدد به دو آیه از آیات قرآن استناد می‌کند:

۱- آیه اول: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلُوبِهِمْ مَوَاقِيتٍ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ...» (بقره: ۱۸۹) از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات [برای امور دنیایی و نظام زندگی] مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است.

این آیه صریح است در این که هلال ماه در تعیین وقت و ماه‌ها معتبر است. زیرا آیه شریفه تعیین اوقات را به هلال ماه، وابسته کرده است و اگر عدد در تعیین ماه‌ها و تعیین اوقات موثر بود، باید تعیین اوقات را به عدد اختصاص می‌داد نه رویت هلال ماه. (سیدمرتضی، بی تا، الرد علی اصحاب العدد: ۹)

برخی از مفسران مانند طبرسی نیز بنا بر این آیه، پایان ماه رمضان را بر اساس رویت هلال می‌دانند نه بر اساس عدد ۳۰ روز؛ که تایید کننده نظر سیدمرتضی است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲: ۵۰۸).

۲- آیه دوم: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ...» (یونس: ۵) این آیه نیز نص است بر اینکه شناخت زمان سال‌ها و حساب آنها به حالات ماه و کوچکی و بزرگی هلال ماه بر می‌گردد و اینکه عدد برای تعیین سال‌ها و ماه‌ها کاربردی ندارد (سیدمرتضی، بی تا، الرد علی اصحاب العدد: ۹).

۳- استدلال به اخبار مشهور

یکی از مهمترین شیوه‌های نقد حدیث، عرضه آن به اخبار و احادیث دیگری است که از نظر متن در مقابل آن بوده و با آن متعارض است و از نظر وضعیت سندی هم به دلیل عواملی مانند شهرت یا کثرت راویان و وضوح طریق بر حدیث مورد نظر رجحان دارد. (خدایاری، ۱۳۸۹: ۶۸) به عبارت دیگر احادیث ضعیف ابتدا به قرآن سپس به سنت قطعی عرضه می‌شوند. از آنجا که هیچ یک از گفتار معصومان با گفتار دیگرشان تضاد ندارد. با عرضه برخی از گفتار آنها بر برخی دیگر احادیث صحیح، از غیر آن مشخص می‌شود در تایید این عملکرد باید گفت که: روایت شده که شخصی از امام صادق (ع) پرسید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ يَرْوِيهِ مَنْ نَثِقُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا نَثِقُ بِهِ قَالَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ إِلَّا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۹) از امام صادق علیه السلام درباره اختلاف حدیث سوال کردم روایتی را فردی که مورد وثوق است نقل می‌کند و روایتی را کسی که مورد وثوق نیست نقل می‌کند، فرمود: اگر حدیثی بر شما رسید و شما شهادتی از کتاب خدا یا گفتار رسول خدا بر آن یافتید (آن را بپذیرید) اگر نه کسی که آن را برای شما آورده سزاوارتر است. (آن حدیث را نپذیرید.) همچنین امام رضا (ع) می‌فرماید: ما از خدا و رسولش (ص) حدیث می‌کنیم، از فلان و فلان نمی‌گوییم تا سخنانمان متناقض درآید. همانا سخن آخرین ما مانند کلام اولین ماست و کلام اولین ما مؤید کلام آخرین ماست. پس اگر کسی آمد که جز این بر شما روایت کرد، سخنش را به خودش بازگردانید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۴۹). بنابراین احادیث معصومان چه از اهل بیت (ع) باشد چه از پیامبر (ص) باشد نباید متناقض و غیرقابل جمع با یکدیگر باشند. برخی هم گفته اند که حدیث معیار باید خود متواتر باشد (سبحانی، ۱۴۰۵: ۶۱-۶۰).

بنابراین احادیث ضعیف یا اخبار آحادی که مقرون به قرینه ای نیستند؛ نسبت به احادیث مشهور و سنت قطعی اعتبار کمتری دارند.

سیدمرتضی نیز، در رد نظریه عدد، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که رویت هلال را در اثبات ماه رمضان معتبر می‌داند. او روایتی از پیامبر اکرم می‌آورد که پیامبر در آن می‌فرماید: «صُومُوا لِرُؤْيَيْتِهِ وَ افطِرُوا لِرُؤْيَيْتِهِ فَاِنَّ غَمَّ عَلَيكُمْ فَعَدُوا ثَلَاثِينَ».

این روایت به عقیده سیدمرتضی اگرچه از اخبار واحد است ولی امت بر قبول آن اجماع دارند. هرچند در تاویل آن با یکدیگر اختلاف دارند و کسی از آنان این روایت را رد نکرده و در آن تشکیک ننموده‌است.

این روایت نص است بر اینکه رویت هلال، اصل است و اعتبار عدد در صورتی است که رویت امکان نداشته باشد. اگر عدد در تعیین زمان، اعتبار ذاتی داشت، پیامبر اکرم روزه را وابسته به رویت هلال نمی‌کردند و آن را به عدد معلق می‌کردند و می‌فرمودند: «صُومُوا بِالْعَدَدِ وَ أَفْطِرُوا بِالْعَدَدِ» (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۱۰).

۴- استدلال به سیره تاریخی مسلمانان و عرف عرب

یکی از روش‌های نقد حدیث، نقد بر اساس سیره تاریخی مسلمانان است؛ برای مثال، برخی روایت‌ها برای تایید مذهب، جعل شده است و به نفع یا ضرر افرادی سخن گفته‌اند، که سالها پس از پیامبر به دنیا آمده‌اند؛ برای این نمونه می‌توان آنچه در نکوهش محمد بن ادریس شافعی و جانبداری از ابوحنیفه، از زبان پیامبر اکرم (ص) جعل شده‌است را مثال زد: «یکون فی امتی رجل یقال له محمد بن ادریس، اضر علی امتی من ابلیس، و یکون فی امتی رجل یقال له ابوحنیفه هو سراج امتی» (صبحی صالح، ۱۳۷۹: ۲۸۵). در امت من مردی خواهد بود که به او محمد بن ادریس می‌گویند او از ابلیس زیانبارتر است برای امت من و در امت من مردی خواهد بود که به او ابوحنیفه می‌گویند او چراغ امت من خواهد بود. اینگونه روایات با سیره پیامبر و حتی عرف جامعه اسلامی سازگاری ندارد.

سید مرتضی برای رد قول اصحاب عدد به سیره تاریخی مسلمانان و شیوه مسلمانان که از زمان پیامبر اکرم (ص) تا زمان خود سیدمرتضی، استناد کرده و می‌گوید: مسلمانان از زمان پیامبر اکرم تا زمان حاضر، شیوه شان این بوده‌است که برای علم پیدا کردن به اول ماه‌های قمری به رویت هلال استناد می‌کردند و آشکارا به سوی صحرا و مناطق وسیع و باز خارج می‌شدند و خود را آماده نموده و آراسته می‌کردند.

در این موضوع هیچ مخالفت و تعارضی وجود ندارد و کسی این سیره را انکار نکرده‌است تا اینکه استهلال از نظر ظهور و انتشار مردم مانند اعیاد و روزهای جمعه شد.

اگر تعیین ماه‌ها با عدد ثابت می‌شد (نه رویت) همه افعال مسلمانان که بیان شد از قبیل پناه بردن به رویت هلال و غیره، کاری عبث و اشتباه بود (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۹).

لازم به ذکر است که این شیوه نقد سیدمرتضی، شیوه ای معمول و مرسوم میان دانشمندان علوم اسلامی بوده و هست. برای مثال اگر حدیثی مخالف سیره قطعی مسلمانان وجود داشته باشد آن حدیث به دلیل مخالفت با سیره تاریخی مسلمانان قابل قبول نیست. سیدمرتضی در قسمت دیگری از این رساله در پاسخ به کسی که در آیه اهلہ مناقشه نموده و معتقد است که شناخت موافقت و ماه‌ها به وسیله عدد بهتر است؛ می‌گوید: بر هیچ فردی پوشیده نیست که توصیف ماه‌های عربی به قمری بودن، مانع از عددی بودن آنها می‌شود؛ چون اگر راه اثبات ماه‌ها و رویت هلال نبود و عدد بود، قطعاً باید می‌گفتند ماه‌های عددی نه ماه‌های قمری. چطور ممکن است که ماه‌های قمری باشند ولی قمر هیچ دخالتی در تعیین آنها نداشته باشد (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۳۱).

۵- نقد با استناد به عدم حجیت قیاس

یکی از اصحاب عدد در تایید قول خود اینگونه گفته‌است: از آنجا که روزه یکی از فرایض اسلام است، طبق قیاس کردن بر نمازهای پنجگانه و زکات که هر یک تعداد و مقدار مشخصی دارند، واجب است روزهای روزه نیز سالم از زیادت و نقصان بماند. در نتیجه ماه رمضان نباید قابل زیادت و نقصان باشد.

در توضیح قیاس باید گفت که این کلمه در لغت به معنای مساوات و تقدیر است (محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۳: ۱۲۵) به عبارت دیگر، قیاس در لغت به معنای سنجش و اندازه گیری دو چیز با هم است و منظور از آن استنباط حکم موضوع یا واقعه‌ای (فرع) که در مورد آن نص وجود ندارد، از موضوع یا واقعه‌ای دیگر (اصل) است که به وسیله «نص معتبر» حکم آن بیان شده است، به دلیل شباهت و اشتراک آن دو اصل و فرع در علت حکم (جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶۵۰)

سیدمرتضی در پاسخ به این مسئله می‌گوید: چگونه است که با اینکه قیاس در نزد شما باطل است به وسیله آن احتجاج می‌کنید در حالیکه اصلاً قیاس حجت نیست. چگونه احکام

شرعی را با چیزی اثبات می‌کنید که دلیل محسوب نمی‌شود؟ قیاس چه در نزد متقدمان چه متاخران باطل و قابل اعتماد نیست چه موافق نصوص باشد یا مخالف آن (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۱۹).

قیاس در نزد شیعیان حجت نیست و روایاتی در رد قیاس در منابع روایی شیعه وجود دارد. سیدمرتضی در رد اصحاب عدد به یکی از اصول فقهی اهل سنت (یعنی قیاس) اشکال وارد می‌کند و آن را معتبر نمی‌شمارد.

۶- نقد با استناد به حقایق و قطعیات تاریخی

یکی از روش‌های نقد حدیث، نقد بر اساس قطعیات و اتفاقات صحیح تاریخی است، در صورتی که یقین بر صحت یک مسئله تاریخی وجود داشته باشد در نقد حدیث از آن مسئله تاریخی در جهت نقد حدیث استفاده می‌شود یکی از روش‌های سیدمرتضی در نقد حدیث عدد، همین روش است.

هرچند این مورد با شماره ۴ «استدلال به سیره تاریخی مسلمانان و عرف عرب» شباهت فراوانی دارد اما به دلیل اینکه سیدمرتضی این بخش را جدا آورده و منظور سیدمرتضی از حقایق و قطعیات تاریخی، تاریخ امت‌های گذشته است و استدلال به سیره تاریخی مسلمانان مربوط به اسلام است؛ در نتیجه در این خصوص به طور جدا گانه بحث می‌شود.

کسانی که به حدیث عدد باور داشته اند گفته اند که آیه ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره دلیلی بر اعتبار عدد است. خداوند می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ... أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ» از دیدگاه آن‌ها، طبق آیه شریفه، آنچه که واجب است عبادت معدود است که با عدد حفظ می‌شود و از آن جا که روزه مکتوب بر شما با روزه اهل کتاب شبیه دانسته شده و اهل کتاب روزه شان را با عدد و حساب محاسبه می‌کردند، روش ما نیز در ماه رمضان محصور به روش عددی است تا از زیادت و نقصان در امان باشد.

سیدمرتضی در پاسخ به این شخص می‌گوید: «وجه شبه میان روزه ما و روزه گذشتگان، همه صفات آنها نیست، بلکه وجوب و الزام است. اگر آیه شریفه اقتضای شباهت بین روزه ما و روزه گذشته‌گان در همه احکام را داشته باشد آیه شریفه برای ما حجت نیست. چون ما دقیقاً

نمی‌دانیم که فرض یهود و نصاری در روزه شان بر عدد بوده است یا رویت. چون روش برخی از یهودیان، تکیه بر رویت و روش برخی، تکیه بر عدد بوده است.» پس چون ثابت نشده است که روش اهل کتاب در محاسبه ماه‌ها چگونه بوده است، مبنای کلام اشکال کننده دارای ضعف است و قابل قبول نیست. در نتیجه سیدمرتضی با استناد به این حقیقت تاریخی مبنی بر ثابت نبودن شیوه اهل کتاب در محاسبه ماه‌ها، دیدگاه اصحاب عدد را نمی‌پذیرد (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد، ۱۰).

بیشتر مفسران در ذیل آیه اشاره به شباهت «واجب بودن روزه» در بین مسلمانان و امت‌های گذشته اشاره کرده اند نه اینکه تمام اجزای روزه این امت با امت‌های گذشته یکی است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۶).

۷- نقد با استناد به علم لغت

علم لغت برای فهم متون عربی از جمله احادیث، ضروری است و بدون فهم دقیق علم لغت، احتمال برداشت‌های خطا از یک لغت وجود دارد. سیدمرتضی با استناد به علم لغت به برداشت اشتباه قائلین به عدد پاسخ می‌دهد.

او در پاسخ به کسی که ایام معدودات در آیه شریفه ۱۸۴ سوره بقره را به معنای عددی می‌دانند که از زیادت و نقصان در امان باشد، معنای دقیق واژه معدود را تبیین کرده و می‌گوید: منظور از «معدودات» یا به معنای محصور، معین و قابل شمارش است که این انحصار می‌تواند یا به واسطه عدد باشد یا به واسطه غیر آن (رویت) همچنین معدودات می‌تواند به معنای «کم» باشد (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۱۱)

۸- نقد با استناد به موضوعه بودن و غیر قابل تأویل بودن حدیث

یکی از راه‌های نقد حدیث، اشاره به جعلی بودن آن با دلیل متقن است سیدمرتضی از این روش استفاده کرده و به نقد گفتار قائلان به قول عدد می‌پردازد.

سیدمرتضی می‌گوید: یکی از اشکالاتی که قائل به قول عدد مطرح می‌کند این است که وی برای اثبات ۳۰ روزه بودن ماه رمضان به روایت امام صادق (ع) استناد کرده که فرمودند: «عن محمد بن یعقوب بن شعيب عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام قال: قلت له: ان الناس يروون ان رسول الله (ص) صام شهر رمضان تسعة و عشرين يوما أكثر مما صامه ثلاثين. فقال: كذبوا ما صام رسول الله (ص) الا تاما، و لا يكون الفرائض ناقصة، ان الله تعالى خلق السنة ثلاثمائة و ستين يوما، و خلق السماوات و الأرض في ستة أيام و يحجزها من ثلاثمائة و ستين يوما، فالسنة ثلاثمائة و أربعة و خمسون يوما. و هو: شهر رمضان ثلاثون يوما لقول الله تعالى وَ لِتُكْمَلُوا الْعِدَّةَ وَ الْكامل تام، و شوال تسعة و عشرون يوما، و ذو القعدة ثلاثون يوما، لقول الله تعالى». «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ الشَّهْر هَكَذَا شَهْر تَامٍ وَ شَهْر نَاقِصٍ، وَ شَهْر رَمَضَانَ لَا يَنْقُصُ أَبَدًا، وَ شَعْبَانَ لَا يَتِمُّ أَبَدًا» (صدوق، ۱۳۳۸ش: ۳۸۲) قائل به عدد معتقد است این روایت نص بر صحت مذهب عدد است. محمد بن یعقوب بن شعيب از پدرش و او هم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: به امام صادق (ع) گفتم مردم نقل می‌کنند که پیامبر (ص) ماه رمضان ۲۹ روزه ای که روزه گرفت بیشتر از ماه رمضان‌های ۳۰ روزه بود امام صادق (ع) فرمود: دروغ می‌گویند رسول خدا جز به صورت کامل روزه نگرفت و واجبات به صورت ناقص (صحیح) نیست. خداوند سال را ۳۶۰ روز خلق کرد و آسمان‌ها و زمین را در ۶ روز خلق کرد و آن را از ۳۶۰ روز دور کرد؛ بنابراین سال ۳۵۴ روز است و این ماه رمضان است که ۳۰ روز دارد، به خاطر گفتار خداوند تا تعداد روزهای ماه رمضان را کامل کنید و کامل یعنی تام. شوال ۲۹ روز است ذوالقعدة ۳۰ روز به خاطر این گفتار خداوند «و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزودن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت» و ماه، ماه کامل و ناقص هست و ماه رمضان هرگز ناقص نمی‌شود و شعبان هرگز کامل نمی‌شود.

سیدمرتضی در پاسخ می‌گوید: این خبر جعلی است به دلیل اینکه الفاضلی در آن استفاده شده که احتمال معنای دیگری در آن نمی‌رود همچنین قابل تاویل هم نیست و این خبر و

امثال آن حجیت ندارد چون خبر واحد علم آور نیست و هیچ قطعیتی بر صحت آن وجود ندارد، حتی اگر راوی آن اشخاص عادل و ثقه باشند (سیدمرتضی، بی تا، الرد علی اصحاب العدد: ۱۷).

۹- نقد با استناد به قوی بودن ظن در اخبار عدد

سیدمرتضی در پاسخ به قائل عدد که اخبار رویت را حمل بر تقیه کرده می گوید: این کلام شما بر علیه کسی است که در اثبات رویت به خبرهای واحد احتجاج می کنند ولی ما به هیچ خبر واحدی احتجاج نمی کنیم و فقط به ادله علم آور و یقینی استناد می کنیم. اما ترجیح دادن اخبار عدد به اخبار رویت از سوی شما قابل اعتماد نیست چون ظن در اخبار عدد، قوی تر از ظن در اخبار رویت است و با وجود این ظن، علم قطعی حاصل نمی شود. لازم به ذکر است که سیدمرتضی معتقد است که خبر واحد مجرد از قرینه، مطلقاً حجیت ندارد. او اخبار عدد را خبر واحد می داند و به ظنی بودن آن حکم می کند. ظنی بودن و علم آور نبودن خبر، ملاک نقد سیدمرتضی است. همچنین او بر این باور است که عمل با وجود ظن جایز نیست، چون عمل فقط با قطعیت و علم انجام می شود نه با قوه ظن (سیدمرتضی، بی تا، الرد علی اصحاب العدد، ۱۸).

۱۰- نقد با استناد به مسلمات فقهی و بدیهیات عقلی

یکی از راههای سنجش صحت متن حدیث، تعارض نداشتن با عقل می باشد، عقل یکی از راههای شناخت حدیث درست از نادرست است و عموم محققان شیعه و سنی آن را قبول دارند. دکتر **صبحی صالح** در این مورد می گوید: «قواعد بسیاری برای معرفت احادیث موضوع وجود دارد که مشهورترین آنها پنج قاعده است که چنانچه فقط یکی از این قاعده‌ها بر حدیثی صدق کند، آن حدیث را موضوع می نامند (صبحی صالح، ۱۳۷۹ق: ۲۸۲). سپس وی، تعارض با عقل را به عنوان یکی از ملاک‌های جعلی بودن حدیث برمی شمرد و می گوید: «قاعده سوم عبارتست از اینکه معنی حدیث، مخالف عقل، یا حسّ و یا مشاهده باشد و غیر قابل تأویل باشد.» (همو: ۲۸۴)

قائل به عدد اشکال کرده است که ابتدا و انتهای همه فرایض باید قبل از انجام شان مشخص باشد و چون روزه ماه رمضان یکی از فرائض است، واجب است که اول آن، قبل از داخل شدن تکلیف و آخر آن، قبل از قضا شدن تکلیف، مشخص باشد و این مشخص بودن فقط با عدد به وجود می‌آید نه رویت.

سیدمرتضی در پاسخ به این نظریه به واقعیات و اموری که نزدش مسلم است استناد کرده و می‌گوید: اگر منظور شما این است که مکلف باید اوقات فرائض خود را قبل از داخل شدن شان بداند به صورت فی‌الجمله و اول و آخر آن با ویژگی‌هایی که در شریعت آمده، مشخص شده باشد امر همین گونه است که شما می‌گویید؛ اما اگر منظور شما این است که قبل از داخل شدن در آن فریضه، شخص باید علم داشته باشد به اینکه او مکلف به اول آن عبادت و نیز آخر آن عبادت به عنوان یک تکلیف مستقل است امر به خلاف آن است و مکلف به پایان یافتن عبادت یا هر جزء از عبادت علم ندارد مگر بعد از انتهای آن عبادت و اتمام یافتن آن.

سیدمرتضی در ادامه می‌گوید: اگر اشکال شود که طبق نظریه رویت، مکلف قبل از داخل شدن ماه رمضان به اول و آخرش علم ندارد، در پاسخ می‌گوییم: اول ماه رمضان با مشاهده هلال در شب اول ماه یا خبر دادن کسی که قبول خبر او نسبت به رویت ماه واجب است، مشخص می‌شود. پس اول این عبادت قبل از داخل شدن در آن معلوم است و آخر آن نیز قبل از رسیدن به آن مشخص می‌شود یا به وسیله رویت هلال یا اخبار کسی که عمل به خبرش الزامی است و در صورت عدم امکان رویت به صورت سی روز محاسبه می‌شود. اول و آخر ماه رمضان همانگونه که در نزد اصحاب عدد مشخص است، در نزد اصحاب روایت هم مشخص است.

آنچه که مهم است تعیین زمان عبادت است حال چه به وسیله امر واحد و ثابتی باشد چه به وسیله امری که انتظار حصول و وقوع آن می‌رود. به این صورت که اگر آن امر واقع شود، ملاک برای تعیین زمان عبادت می‌شود و اگر واقع نشود امر به چیز دیگری انتقال می‌یابد. یعنی مثلاً اگر رویت هلال امکان داشت، که تعیین ماه رمضان با آن انجام می‌شود و گرنه، سراغ ملاک دیگری مانند عدد و ۳۰ روزه بودن می‌رویم چنین چیزی در شریعت زیاد اتفاق می‌افتد (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۲۱).

۱۱- نقد با استناد به عدم حجیت خبر واحد

شیخ مفید از جمله افرادی است که بی اعتباری خبر واحد در حوزه دین، چه علم و چه عمل به آن را صحیح نمی‌داند و آن را به عنوان اعتقاد «مذهب جمهور شیعه» معرفی می‌کند، شاگرد او سیدمرتضی نیز با شیخ مفید هم عقیده است و منکر منبع حجیت دینی خبر واحد است او حتی مدعی نهی از التزام یا عمل به آن در امر دین می‌باشد (سیدمرتضی، الذریعة الی اصول الشریعه، ۱۳۶۳، ج ۱، ۲۸۰-۲۸۱).

از نگاه سیدمرتضی، خبر واحد فاقد حجیت شرعی بوده و غیرقابل اعتماد است و برخی از اخبار مستمسک اصحاب عدد را به جهت خبر واحد بودنشان نمی‌پذیرد.

به عنوان نمونه، قائل به عدد به روایتی از امام صادق علیه السلام تمسک جسته که می‌فرمایند: «اذا اتاكم عنا حدیثان فحدثوا بابعدهما من اقوال العامة».

وی معتقد است که عامه بر قول رویت اجماع دارند. در نتیجه این روایت دلالت واضح دارد بر وجود نظریه عدد و اینکه اصل با عدد است.

سیدمرتضی در پاسخ می‌گوید: از کجا معلوم که این خبر صحیح باشد تا آن را به عنوان اصل قرار دهیم و در عمل به اخبار وارده و ترجیح آنها بر یکدیگر به آن تکیه کنیم. آیا این خبر از اخبار واحد نیست که نه موجب علم اند و نه موجب یقین؟ گرچه بیشتر از یک نفر آن را روایت کرده باشد پس چگونه می‌توان به اخبار واحد تکیه کرد؟! (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۱۹).

علاوه بر آن در جای دیگر، قائل به عدد به روایت دیگری تمسک جسته که می‌فرماید: «یومٌ صومکم یومٌ نحرکم» وی می‌گوید شما چنین روایتی دارید که بر طبق آن چه نیازی به رویت هلال دارید؟ چگونه این روایتی را که ذکر می‌کنید بر اساس اعتقاد شما به رویت صحیح است؟ چون شما آمدن ۳ ماه ۳۰ روزه و یا ۳ ماه ۲۹ روز پی در پی و متوالی را جایز می‌دانید در نتیجه چگونه بر اساس نظریه رویت اولین روز ماه رمضان همیشه با روز دهم ذیحجه موافق می‌شود؟! پس این روایت فقط از طریق نظریه عدد صحیح است. زیرا اصحاب عدد معتقد به این هستند که ماه رمضان همیشه ۳۰ روز، شوال ۲۹ روز و ذی قعدة ۳۰ روز است در نتیجه اولین روز ماه رمضان همیشه موافق با روز عید قربان است. (یعنی با این حساب اگر اول ماه رمضان

روز شنبه باشد، بعد از ۳۰ روز اول شوال دوشنبه و بعد از ۲۹ روز اول ذیقعد سه‌شنبه و بعد از ۳۰ روز اول ذیحجه پنجشنبه و دهم ذیحجه عید قربان شنبه خواهد بود که موافق اول ماه رمضان است.

پس شما با وجود اشتهار به این روایت در مورد آن چه دیدگاهی دارید؟ آیا علی رغم مخالفت این حدیث با اعتقاد شما (مبنی بر رویت هلال) آن را قبول می‌کنید؟! یا اینکه این روایت را انکار می‌کنید؟! سیدمرتضی در پاسخ به این اشکال، به یکی از اصلی‌ترین مبانی خود در نقد حدیث یعنی عدم حجیت خبر واحد استناد کرده و می‌گوید: این خبر علم آور و قطعی نیست. زیرا از اخبار واحدی است که در شریعت، عمل به آن واجب نیست و هر که بر خبر واحد اعتماد کند در حقیقت به سراب تکیه کرده‌است. بنابراین بر ما نیز واجب نیست خبری را که علم به صحت و قطعیت آن نداریم را تاویل کنیم (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۳۰).

۱۲- نقد با استناد به تاویل و عدم استناد به ظاهر روایت با وجود قرینه

در تعریف تاویل گفته شده که عبور لفظ از ظاهر با دلیل است (حسن، خالد رمضان: ۱۴۱۸ق: ۷۷) سیدمرتضی از کسانی است که اخبار آحاد شیعه و سنی که مخالف اعتقادات صحیح است را تا جایی که امکان دارد تاویل می‌کند او معتقد است اخباری را که ظاهرشان مخالف اعتقادات است باید حتی الامکان تاویل کرد و وجه صحیحی برای آنها ارائه داد. وجهی که با عقاید و اصول قطعی در تعارض نباشد. (عباسی، ۱۳۸۸: ۱۷۵)

در همین خصوص سیدمرتضی در ادامه بررسی روایتی که در قسمت قبل بیان شد: «یوم صومکم یوم نحرکم» تاویلاتی را برای روایت فوق بیان می‌کند و می‌گوید: هرچند تاویل چنین روایتی برای ما واجب نیست، (چون علم به صحت آن نداریم) ولی برخی از اصحاب ما برای تبیین آن، این روایت را اینگونه تاویل کرده اند که این روایت مربوط به سال خاصی است که در آن سال، اولین ماه رمضان با روز عید قربان موافق شده بود. پس این روایت بر خصوص حمل می‌شود نه عموم؛ چرا که عمومیت در آن صحیح نیست و استقراء، خلاف آن را (موافقت اول رمضان یا عیدقربان) گواهی می‌دهد.

سیدمرتضی در تاویل روایت فوق وجه دیگری را نیز ذکر می‌کند که ممکن است مراد از آن، این باشد که با یوم الصوم در وجود احکام شرعی و لزوم آن‌ها جاری مجرای یوم النحر در احکام مربوط به آن است و مراد از آن مماثله و مساوات است (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد: ۳۰).

۱۳- نقد با استناد به ظاهر روایت (قاعده اصاله الظهور و اصالة العموم)

بی‌تردید یکی از اصول و قواعد مسلم در فهم و نقد حدیث، التزام به ظاهر متن است. این اصلی است که با سیره و مبنای عقلا تعیین می‌گردد و عدول از آن، بدون قرینه‌ای که متن را از ظاهر خود منصرف سازد؛ جایز نیست (مهدی ایزدی، ۱۳۹۴: ۲۳) سیدمرتضی نیز به چنین اصلی ملتزم بوده و نسبت به برداشت‌های خلاف ظاهر از متون احادیث (که فاقد قرینه است) انتقاد کرده است.

در توضیح قاعده اصاله الظهور باید گفت: آن اصلی است که حمل کلام بر معنای ظاهرش را اقتضا می‌کند (حسینی، محمد، ۲۰۰۷ م: ۵۸). آیت الله مشکینی در توضیح این قاعده می‌نویسد: اصالت ظهور، در جایی به کار می‌رود که لفظ استعمال شده، در معنای خاصی ظهور داشته باشد. (مشکینی، ۱۳۷۱: ۵۷) یعنی حمل لفظ یا کلام بر آن معنا در نظر عقلا راجح باشد، هر چند در مقام استعمال، احتمال خلاف آن (اراده معنای مرجوح) داده می‌شود. در چنین حالتی عقلا به معنای ظاهر تمسک نموده و معنای خلاف ظاهر را نادیده می‌گیرند (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۲۸).

سیدمرتضی می‌گوید: قائل به روایت پیامبر اکرم (ص) به نفع نظریه عدد، استدلال کرده‌است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «صَوْمُوا لِرَوِيَّتِهِ و افطروا لِرَوِيَّتِهِ فَاِنَّ عَمَّ عَلَيَّكُمْ فَعَدُوا ثَلَاثِينَ» او می‌گوید این خبر مشهور که در صحت آن اختلافی نیست مربوط به زمانی است که همه مردم طبق روزه و افطار حضرت رسول، روزه و افطار می‌کردند. هنگامی که پیامبر قصد داشت به جنگ برود مردم نگران شدند که در صورت نبود رسول خدا (ص) چگونه روزه بگیرند و حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «صَوْمُوا لِرَوِيَّتِهِ و افطروا لِرَوِيَّتِهِ ...» پس این روایت اختصاص به سال خاصی داشته است که به غلط، مردم آن را برای همه سالها استفاده

می‌کنند. پس حال که این روایت خاص است استعمال آن صحیح نیست (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد، ۳۲).

سیدمرتضی یا تمسک به ظاهر حدیث به فهم مراد معصوم می‌پردازد و احتمالات خلاف ظاهر را که فاقد قرینه‌اند رد می‌کند. او در پاسخ به این اشکال به **قاعده اصله العموم** استناد کرده و می‌گوید: ظاهر روایت حضرت رسول اکرم (ص) عمومیت را می‌رساند، پس خاص بودن آن روایت زمانی پذیرفته می‌شود که دلیل قوی و خاص بودن آن وجود داشته باشد؛ درحالی که هیچ دلیلی بر تخصیص این روایت بر یک سال خاصی وجود ندارد. وی بر مبنای اصالت و ظهور و التزام به ظاهر متن می‌گوید: ظاهر خبر اقتضا می‌کند که رویت هلال در روزه موثر باشد نه عدد و زمانی که رویت امکان نداشت عدد ملاک برای روزه باشد. پس هر کس بدون توجه به عدم امکان رویت، اصل را بر عدد قرار دهد، با ظاهر خبر مخالفت کرده‌است. (سیدمرتضی، بی‌تا، الرد علی اصحاب العدد، ۳۲)

نتیجه

سیدمرتضی به نقد متن حدیث عدد پرداخته و در مقابل آن، نظریه رویت را به اثبات رسانده است.

وی در نقد متن محور حدیث عدد، از مبانی و معیارهای مختلفی بهره برده است و عقیده دارد مسئله رویت مسئله اجماعی است و قول معصوم داخل در این اجماع بوده است، او بر این باور است که نظریه اصحاب عدد با آیات (بقره: ۱۸۹) و (یونس: ۵) در تضاد است و اخبار مشهور مانند روایت پیامبر (ص): **«صَوْمُوا لِرُؤَيْتِهِ وَ افْطِرُوا لِرُؤَيْتِهِ فَاِنَّ غَمَّ عَلَیْكُمْ فَعَدُوا ثَلَاثِينَ»** در تضاد با حدیث عدد است. سیره تاریخی مسلمانان و عرف عرب نیز بر رویت ماه بوده است نه سی روز کامل شمردن ماه رمضان. سیدمرتضی یکی از دلایل اصحاب عدد را که **قیاس** است فاقد حجیت می‌داند، او بر اساس حقایق تاریخی و علم لغت برداشت اصحاب عدد را صحیح نمی‌داند و به جعلی بودن حدیث عدد حکم می‌کند، یکی دیگر از دلایل اصحاب عدد ظنی بودن خبر عدد است اما سیدمرتضی ملاک عمل را قطعی بودن خبر می‌داند و حدیث عدد را در تضاد

با بدیهیات عقلی و مسلمات فقهی می‌شمارد و حدیث عدد را که خبر واحد است فاقد حجیت می‌داند. برخی از اشکالات دیگر سیدمرتضی به حدیث عدد تاویل و عدم استناد به ظاهر روایت با وجود قرینه، استناد به ظاهر روایت و قاعده ی **اصالة العموم و اصله الظهور** و غیره بودند. بنابراین سیدمرتضی در نقد حدیث عدد، از مهم‌ترین روش‌های نقد متنی حدیث استفاده کرده و در نقد متن به یک یا چند ملاک محدود بسنده نکرده‌است و این بیانگر دقت نظر وی در برخورد با احادیث و جداسازی سره از ناسره است. او در نهایت به صحیح نبودن حدیث عدد حکم می‌کند.

منابع

- ادلیبی، صلاح الدین (بی‌تا)؛ **منهج نقد المتن عند العلماء الحدیث النبوی**، بیروت، دارالافتاء الجدید.
- ایزدی مهدی (۱۳۹۴)؛ **روش شناسی نقد متن حدیث**، تهران دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جمعی از محققان (۱۳۸۹)؛ **فرهنگ نامه اصول فقه**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسن، خالد رمضان (۱۴۱۸ ق)؛ **معجم أصول الفقه**، قاهره.
- حسینی، محمد (۲۰۰۷ م)؛ **الدلیل الفقهی تطبیقات فقهیه لمصطلحات علم الأصول**، دمشق.
- خدایاری علی نقی (۱۳۸۹)؛ **روش‌های معیار نقد حدیث**، در آثار شیخ مفید، مجله علوم حدیث، شماره ۲.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۳۹۲ - ۴۶۳ ق (۱۴۰۵ ه - ۱۹۸۵ م)؛ **الکفایه فی علم الروایه**، دار الكتاب العربی بیروت الطبعة الاولى.
- سیدمرتضی (بی‌تا)؛ **رسائل الشریف المرتضی، تقدیم و اشراف احمد الحسینی**؛ اعداد مهدی رجائی، قم، دارالقرآن الکریم، مدرسه آیه العظمی الکلبایگانی.

- _____ (۱۳۶۳ش)؛ *الذریعة الى اصول الشريعة*، به کوشش ابوالقاسم گرگی، تهران.
- _____ (بی تا)؛ *الرد علی اصحاب العدد*، بی جا.
- زبیدی (۱۴۱۴ق)؛ محمدمرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۰۵ق)؛ *الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه*، بیروت، بی نا.
- _____ (۱۴۲۰ق)؛ *الموجز فی اصول الفقه، الموجز فی اصول الفقه یبحث عن الأدلة اللفظیة والعقلیة*؛ مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، قم.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ق)؛ *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، انتشارات مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، فرهنگ اسلامی، قم.
- صبحی صالح (۱۳۷۹ق)؛ *علوم الحدیث و مصطلحه*، دمشق، بی نا.
- صدوق (۱۳۷۹ق - ۱۳۳۸ش)؛ *معانی الأخبار*، تحقیق: تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، بی جا.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، ایران، تهران.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق/ ۱۳۸۵ه.ش)؛ *الصحيح من سیرة النبی الأعظم (ط - جدید)*، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- عباسی مهرداد (۱۳۸۸)؛ *مبانی و روش‌های سیدمرتضی در فهم اخبار، آحاد، با تکیه بر کتاب امالی*، صحیفه مبین شماره ۴۶.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۸ه - ۱۹۹۷م)؛ *المحصول فی علم اصول الفقه*، دراسة و تحقیق، الدكتور طه جابر فیاض العلوانی، الناشر: مؤسسه الرسالة، الطبعة: الثالثة.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)؛ *الکافی* (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران.
- مجلسی محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ *بحارالانوار*، بیروت دار احیاء تراث العربی.
- محقق داماد، محمدباقر (۱۴۰۵ ه ق)؛ *الرواشح السماویة*، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی قم المقدسه - ایران.
- محمود عبد الرحمان (بی تا)؛ *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*.
- مختاری رضا، صادقی محسن (۱۳۸۴)؛ *رویت هلال*، جلد اول، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
- مشکینی، علی (۱۳۷۱ش)؛ *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*، نشر الهادی، قم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ ه ق)؛ محقق و مصحح: مهدی نجف الرد علی أصحاب العدد، *جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیة*، انتشارات کنگره جهانی هزاره: (این کتاب در جلد نهم از مجموعه مصنفات شیخ مفید چاپ شده است).